

دستورالکاتب فی تعیین المراتب

علی اکبر احمدی دارانی*

اکرم هراتیان**

چکیده

دستورالکاتب فی تعیین المراتب، تصنیف محمد بن هندوشاه نخجوانی (شمس منشی)، از مهمترین کتابها در فنّ انشا و نامه نگاری است. تا پیش از تدوین این کتاب، در این فنّ، جزوه‌ها و رساله‌هایی مختصر نوشته شده که بیشتر به زبان عربی است. دستورالکاتب هم به لحاظ حجم و هم اشمال بر انواع نامه‌های دیوانی، بر تمام نگاهشته‌های پیش از خود برتری دارد. شمس منشی الگویی از نامه‌های دیوانی و انواع آن ارائه می‌دهد. از لابلای نوشته‌های دستورالکاتب می‌توان، بسیاری از زوایای حکومتی و مناسبات دیوانی زمان مؤلف را کاوید؛ اما به هیچ روی متنی تاریخی محسوب نمی‌شود. دستورالکاتب به کوشش عبدالکریم علی اوغلی علی‌زاده، در مسکو و در سه مجلد به چاپ رسیده است و با وجود کوشش فراوان مصحح، حاصل پژوهش وی، تصحیحی دقیق و علمی نیست. دستورالکاتب خلاصه‌ای دارد به نام الإرشاد فی الانشاء که شمس منشی آن را برای سهولت فنّ انشا برای طالبان ترتیب داده است. نسخه‌هایی نویافته از دستورالکاتب موجود است که می‌توان براساس آنها تصحیحی علمی ارائه داد.

کلیدواژه: دستورالکاتب، محمد بن هندوشاه (شمس منشی)، الإرشاد فی الانشاء، عبدالکریم علی اوغلی علی‌زاده.

*. استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه اصفهان. Email: aliakbar_ahmadidarani@yahoo.com

** مری و عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان.

Email: haratian46413@yahoo.com

دستورالکاتب فی تعیین المراتب، تصنیف محمد بن هندوشاه نخجوانی (شمس منشی)،^۱ از مهم ترین کتابها در فنّ انشا و نامه نگاری است. یکی از وجوه اهمیت این کتاب آن است که پیش از تألیف آن، بیشتر کتابهایی که در این موضوع نوشته شده است، به زبان عربی است.^۲ و شاید رساله ها و یا جزوه هایی پراکنده بتوان یافت که به زبان فارسی است، مانند دستور دبیری عبدالخالق میهنی.^۳

از این تاریخ به بعد [یعنی تاریخ نگارش دستورالکاتب] موج انشا چه نظری و چه عملی آغاز می کند و هر دم فزونی می گیرد تا برسد به زمان ما.^۴

شمس منشی تألیف این کتاب را به فرمان خواجه غیاث الدین محمد، وزیر ابوسعید ایلخانی آغاز کرده است، از فواصل و انعامات وی بهره مند بوده است:

و خواجه غیاث الحقّ و الدّین محمد رشیدی... و دیگر ارکان دولت و اعوان حضرت حکم یرلیغ به تصنیف چنین کتابی رسانیدند، به واسطه کثرت اشغال و تعاقب موانع میسر نشد.^۵

خواجه غیاث الدّین محمد، پسر رشیدالدّین فضل الله همدانی است. وی از ۷۲۵ تا زمان مرگ در ۲۱ رمضان ۷۳۶ ه. ق وزارت ابوسعید را داشته است و کوشش او در پرورش شاعران و ادیبان باعث گردیده که کتابهای بسیاری به نام او نگاشته شود.^۶

... تاریخ گزیده حمدالله مستوفی و عشاق نامه عبید زاکانی و مدایح سلمان ساوجی و مواقف و فوائد غیاثیه و شرح مختصر ابن حاجب، هر سه تألیف قاضی عضدالدّین ایجی و شرح مطالع و شرح شمسیه، تألیف قطب الدّین رازی و جام جم اوحدی مراغی و هما و همایون خواجه کرمانی و مدایح شرف الدّین فضل الله حسینی قزوینی، مؤلف کتاب المعجم فی آثار ملوک العجم و قصیده مخزن البحور و مجمع الصّناع شمس فخری اصفهانی و نگارستان معین الدّین جوینی و صحاح العجم تألیف شمس الدّین محمد بن هندوشاه بن سنجر صاحبی نخجوانی منشی و ترجمه محاسن اصفهان مافروخی به توسط محمد بن عبدالرضا حسینی علوی و غیره.^۷

و باید به همه اینها کتاب دستورالکاتب را هم افزود. هرچند شمس منشی در زمان حیات خواجه غیاث الدّین موفق به تدوین دستورالکاتب نمی شود؛ ولی به هر حال انگیزه های اولیه این تألیف، به وسیله خواجه غیاث الدّین ایجاد گردیده است. بعد از آنکه شمس منشی توفیق می یابد، تصنیف این کتاب را به انجام برساند و آن را از سواد به بیاض آورد، در ۷۶۷ ه. ق آن را به سلطان اویس ایلکانی (۷۴۳-۷۷۷ ق)^۸ با مفادیری شعر در ستایش وی^۹ هدیه می کند، با عذرخواهی از عدم ملازمت به بارگاه.

اگر در این مدّت از ملازمت بارگاه جهان پناه به واسطهٔ اعراض نفسانی و امراض جسمانی تخلف نموده، به هیچ حال از وظیفهٔ بندگی و اطاعت خالی نبوده است.^{۱۱}

شمس منشی این کتاب را در مدّت چهار ماه تدوین می‌کند: مدّت چهار ماه با وجود علایق و عوایق و شواغل و مشاغل و معانات مکاید و مقاسات شداید و ضیق مجال با مغیّرات احوال به فرّخی و سعادت سواد و بیاض به اتمام رسید.

این بحر محیط پُر ز گوهر شد گفته به چار ماه و کمتر^{۱۱}
دستورالکاتب با مقدمه‌ای متکلف و مصنوع، در حمد و ستایش خداوند و درود بر پیامبر (ص) و بر عترت و احباب و عشیرت او آغاز می‌شود و از آغاز آفرینش، به فنّ کتابت که مرغوب سلاطین است، می‌رسد:

و از آنجا که خداوند می‌خواست، آثار قدرت و عظمت خود را بر انظار اولوالأبصار هویدا کند و حکم کنز مخفی را داشت، عقل اوّل را آفرید و پس از اجرام سماوی و اراضی موالید ثلاثه نبات، معدن، حیوان را ایجاد کرد و از جنس حیوان، نوع انسان را که اشرف انواع است، خلعت تشریف و تکریم پوشانید و همه در وحدانیّت خداوند، اخبار و احادیث و کلمات و انشا ابداع کردند و از آن جا اهمیّت سخن می‌رسد که

تا مرد سخن نگفته باشد عیب و هنرش نهفته باشد
پس اکنون که نطق انسان اهمیّت فراوان دارد، کتابت نیز به تبع نطق، دارای ارجمندی خاصی است. بویژه کتابت فنّی است مرغوب سلاطین.^{۱۲}

شمس منشی هدف خود را از تألیف چنین کتابی تغییر ضابطه‌ها در هر عصر و زمان می‌داند:

در عصر میمون و روزگار همایون، اکابر وقت بر تتبع فنّ انشا اقبال نمودند و از مجموعه منشآت منشیان ماضی و معاصر، تراکیب این ضعیف را... ملحوظ نظر گردانیده و به استدعای مسوّدات عربی و پارسی رغبت نموده... تمسک این معنی را ساخته که ضابطهٔ تراکیب بر حسب هر عصر و زمان مختلف و متفاوت می‌شود و تراکیب منشیان سابق، افاضل وجود و استادان جهان، رشیدالدین و طواط، بهاءالدین محمد بغدادی و نورالدین منشی و رضی الدین خشاب... و قریح بلغای دهر و فضلالی عصر در ادوار و زمان به ایراد ترکیبی غریب و ترتیبی مستحسن بدیع اسعاف و انجاح می‌نماید.^{۱۳}

شمس منشی ادعا می‌کند که هم در انشای فارسی مهارت دارد و هم در عربی؛ هرچند هیچ اطلاعی از منشآت عربی او نداریم:

این ضعیف نحیف همچنانک در میدان فارسی زبانی که بر مراکب خسروانی سواری می‌کند، در بیدای عربیت نیز بر باد پایان تازی انبازی می‌تواند نمود و بر تکاوران عربی به هر مقصد که می‌خواهد می‌تواند دوآید.^{۱۴}

شمس منشی در مقدمه کتاب، فصلی در بیان کیفیت دستورالکاتب می‌آورد و همچنین در ذکر موضوع علم انشا و ذکر منشیان و چند حکایت که مناسب آن است، در فضیلت کاتب و مقام او و در آداب کتابت و آلات ایشان و زمان کتابت و موضوع آن و در صنعت و آلات و ادوات کتاب؛ چه در نظم و چه در نثر و وصف قلم و اینکه حق تعالی به قلم سوگند خورده است و در ادامه، چند حکایت به نقل از صاحب مجمع‌النوادر، نظامی عروضی می‌آورد که به قول خودش آنها را ملخص کرده است و شامل ده حکایت است، از آیین دبیری.

شمس منشی به موضوعی که در آن قصد تألیف دارد، احاطه کامل داشته است و به همین سبب از ابتدا کتاب دستورالکاتب را در بخشبندی ویژه‌ای، در دو قسم پی‌ریزی می‌کند:

قسم اول، در مکاتبات در چهار مرتبه:

مرتبه اول در مکاتبات سلاطین و خواتین سلاطین و اولاد ایشان و القاب ادعیه که به یکدیگر نویسند و احوالی که بعد از القاب ذکر کنند. این مرتبه دو ضرب دارد. ضرب اول در سه فصل و ضرب دوم در بیست فصل.

مرتبه دوم: در مکاتبات امرای الوس و وزرا و خواتین و اولاد ایشان و مانند آنها، در دو ضرب که ضرب اول در بیست و شش فصل و ضرب دوم در شانزده فصل است.

مرتبه سوم: در مکاتبات اشرف الناس و اوساط الناس و مانند آنهاست و این مرتبه دو صنف دارد که صنف اول، در سی و نه فصل و صنف دوم، در دوازده فصل.

مرتبه چهارم: در مکاتبات مشترک میان سلاطین و امرا و وزرا و خواتین و عرضه داشت رعایا به سلاطین و محاضر و اجوبه و شرط نامه و تذکره در بیست فصل.

قسم دوم: در احکامی دیوانی و تفویض اعمال به امرای مغول و وزرا که در دو باب است.

باب اول: در تفویض اعمال و اشغال به امرای مغول و وزرا و اصحاب دیوان بزرگ و

قضایای شرعی است. این باب سه ضرب است که ضرب اول در دوازده فصل. ضرب دوم، در بیست و چهار فصل و ضرب سوم، در بیست فصل تدوین شده است. باب دوم: در احکام مختلف در دو ضرب است: ضرب اول، در احسان و رعایت، در شانزده فصل و ضرب دوم: در تهدید مجرمان و منع ایشان، در شش فصل است. شمس منشی در آخر کتاب شانزده شرط را با متأملان در این کتاب، مطرح می‌کند که خود رساله‌ای در آداب کتابت و انشا است. اینکه القاب و عناوین را در سر جای خود به کار ببرند و این کتاب را از دست نامستعدان دور نگه دارند و یا اینکه مرتبه کسانی را که قصد دارند، به آنها مکتوبی بنگارند، حفظ کنند و مانند اینها. در پایان با قصیده‌ای در ستایش سلطان اویس کتاب را به پایان می‌برد که البته پیش از پایان، چند سطری در آخر می‌نگارد و از سلطان اویس می‌خواهد که با مساعدت زمینه‌ای فراهم آورد تا به همین صورت کتابی در منشآت عربی ترتیب دهد:

و اگر صواب آرای حضرت سلطان اسلام... حکم یرلیغ مطاع و فرمان واجب الإلتیاع ارزانی فرماید و مراسم تقویت و تربیت تواتر و تعاقب یابد و این ضعیف را وقت و عمر مساعدت و مسامحت کند، بر همین نمط کتابی دیگر در منشآت عربی مصنف و مرتب گرداند تا طالبان انشای عربی نیز بر ایسر وجوه مطالب خود رسند...^{۱۵}

دستورالکاتب، انباشته از اشعار عربی، مثلها، حکایتها، آیه‌های قرآنی و حدیث‌ها و روایتهاست.

کتابی که ظاهر آن علم انشاست و باطن، مواعظ و نصایح و تنبیها و زواجر و حکایات مستعذب و روایات مستبدع، موشح به آیات کتاب مجید و قرآن حمید... و مؤکد به احادیث سید المرسلین و مزین به شواهد اخبار و آثار و احسن امثال و اشعار و لطایف عربی و پارسی...^{۱۶}

دستورالکاتب یک بار به سعی و اهتمام عبدالکریم علی اوغلی علی‌زاده^{۱۷} در فرهنگستان علوم جمهوری شوروی سوسیالیستی آذربایجان (مسکو)، در سه مجلد به چاپ رسیده است. این سه مجلد در سالهای ۱۹۶۴، ۱۹۷۱، ۱۹۷۶ م منتشر شده است و در کنار کوششهایی قرار می‌گیرد که آکادمی علوم اتحاد شوروی، در جهت انتشار متون ادبی نظم و نثر فارسی به کار برده است که گاهی به صورت چاپ عکسی (فاکسیمیله) از روی نسخه اصل است، مانند جهان‌نامه، تاریخ عالم آرای نادری، رباعیات خیام و گاه

چاپ سُرّبی مانند شاهنامه فردوسی. در جزو این مجموعه کتابهایی چون مجنون و لیلی و شیرین و خسرو امیر خسرو دهلوی، رباعیات خیّام، گلستان سعدی، بدایع الوقایع، چاپ شده است.

مصحّح دستورالکاتب، کوشش فراوانی برای تصحیح این متن به کار برده، و از آن جا که شش نسخه از این کتاب را در اختیار داشته، تا حدّی در کار خود موفق بوده است. وی برای هر سه مجلّد به صورت جداگانه، مقدّمه‌هایی نگاشته است که در ابتدای کتاب به زبان فارسی و در آخر کتاب، به زبان روسی و خط سرلیک است. در آخر هر مجلّد نیز فهرستهایی تهیّه گردیده که دستیابی به متن دستورالکاتب را سریع و آسان می‌کند.

ضعف‌هایی در کار تصحیح این کتاب به چشم می‌خورد که کوشش‌های فراوان مصحّح را تحت الشعاع قرار می‌دهد. مصحّح برای تصحیح مجلّد اوّل از نسخه کتابخانه کوپرولوی استانبول بهره می‌گیرد و آن را ملاک تصحیح قرار می‌دهد. امّا در مجلّدات بعدی از نسخه اساس عدول می‌کند؛ در حالی که این نسخه، از صحیح‌ترین و بهترین نسخه‌های دستورالکاتب است. مصحّح گاهی بدون هیچ دلیل خاصی، ضبط نسخه بدلها را بر ضبط متن ترجیح داده است. در آخر مجلّد سوم، مصحّح به عنوان حُسن ختام چند بیت شعر (?) سروده و با خطّی متفاوت که گویا خطّ خود ایشان است، به این صورت آورده است:

گذشت ششصد و چند سال از نوشتن دستور
به من رسد عمل ترتیب کردن متنش
به این عمل همه کار من شده تکمیل
ازین کتاب کنند استفاده در همه جا
سستی و ناتندرستی این اشعار، نگارندگان این سطور را وا می‌دارد که با تردید بیشتر و اعتماد کمتر به این متن مصحّح بنگرند که مبادا عدم آشنایی کافی مصحّح با زبان فارسی و ظرافتهای شعری و نثری آن تصحیح متن دستورالکاتب را تحت تأثیر قرار داده باشد.

عبارتها و شعرهای عربی بدون دقّت و اعراب، ضبط شده است و از علامتهای نگارشی که به فهم بیشتر متن کمک می‌کرده است، خبری نیست.
در مقدّمه مجلّد اوّل، مصحّح با دلایلی بسیار پراکنده و استدلالهایی غیرمنطقی و با

بهره‌گیری ناقص از منابع نه چندان تحقیقی می‌کوشد، شمس منشی را «ترک» و از خاندان ترکان به شمار آورد و یا در مقدمهٔ مجلد سوم عقایدی به شمس منشی نسبت می‌دهد که چندان درست به نظر نمی‌رسند.

نظریات محمد نخجوانی دربارهٔ سیستم ادارهٔ دولت به خصوص حائز اهمیت زیادی است او مانند رجال دولتی شایسته قرون وسطایی هوادار دستگاه دولتی متمرکز بود.^{۱۹}

باید توجه داشت که شمس منشی در تدوین دستورالکاتب، به هیچ وجه قصد ابراز عقاید خود را ندارد و اگر مجالی برای این کار پیدا کند، در قالب حکایت، مثل و یا نصیحت، مطالبی را گوشزد می‌کند. هدف وی تدوین شیوه‌نامه‌ای جهت نگارش نامه‌های اداری است.

آنچه مصحح محترم را به اشتباه انداخته است، آن است که شرایطی را که باید در نامه‌ها حفظ شود و مورد توجه کاتبان قرار گیرد و شمس منشی آنها را یادآوری و تدوین کرده، به نظریات شمس منشی حمل کرده است، به گمان ما مقدمهٔ مجلد سوم، تحت تأثیر فضای سیاسی و اجتماعی جامعهٔ کمونیستی نگاشته شده است. البته این نکته گفتنی است که از لابلای نامه‌هایی که شمس منشی به عنوان الگویی برای کاتبان آورده است، می‌توان به ساختار جامعه و مناسبات دیوانی که در این نامه‌ها گنجانده شده است، دست یافت؛ بدون اینکه این کتاب را متنی تاریخی به حساب آورد.

طرز فکر سیاسی رشیدالدین و نحوهٔ توصیف او از نابسامانی اوضاع مملکت و احوال مردم و نیز عقایدش در باب طریق اصلاح کارها، مورد توجه ارباب قلم، سیاستمداران، مورخان و مؤلفان بعد از وی شد و حتی از اینان عده‌ای در طرح و شرح مطالب همان طرز بیان و شیوهٔ نگارش او را به کار بردند. نمونهٔ بارز این امر کتاب دستورالکاتب نوشتهٔ محمد نخجوانی است که بخش عمده‌ای از آن تقریباً تحریر دوباره‌ای است، از حکایات چهل‌گانهٔ تاریخ غازانی رشیدالدین.^{۲۰} یادآوری این نکته ضروری است که دستورالکاتب در سه مجلد منتشر شده است و گویا جلد سوم، در اختیار همگان قرار نگرفته است. به همین خاطر است که بیشتر کتابشناسان و کتابدوستان تنها دو مجلد اول و دوم را دیده‌اند. مجلد سوم در سال ۱۹۷۶ م در ۵۲۶ صفحه به همراه مقدمه و فهرستهای گوناگون، به همان شکل و شمایل مجلدات اول و دوم چاپ شده است.

بعد از چاپ مجلد اول، دکتر محمد جعفر محجوب در مجله سخن، این کتاب را معرفی کردند.^{۲۱}

از بهترین نسخه‌های دستورالکاتب فی تعیین المراتب، نسخه کوپرولوست. اگر قرار باشد، تصحیحی دقیق از این کتاب صورت بگیرد، بی‌گمان نسخه اساس تصحیح دستورالکاتب خواهد بود. ضبطهای صحیح و مطمئنی دارد. در حاشیه بعض صفحات، اصلاحاتی صورت گرفته و اگر احتمالاً افتادگی بوده، اضافه گردیده است. این نسخه به تاریخ ۸۹۸ ه. ق و بنابر ادعای نسخه‌نویس، از روی نسخه نوشته شده از روی اصل، استنساخ گردیده است. فیلم این نسخه به شماره ۴۷۱ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، موجود است. در کار تصحیح، نسخه‌های فاتح استانبول (به تاریخ ۸۰۱ ه. ق.)، پاریس، بریتانیا، وین (به تاریخ ۸۴۵ ه. ق.)، لیدن، سپهسالار، بعد از نسخه کوپرولو، قرار می‌گیرند.

الإرشاد فی الإنشاء

الإرشاد فی الإنشاء، در اصل خلاصه و گزیده‌ای از کتاب دستورالکاتب فی تعیین المراتب است. آن‌گونه که شمس منشی در آغاز الإرشاد اشاره کرده است، پس از فراغت از نگارش کتاب دستورالکاتب، بنابر خواهش برخی طالبان، دست به نگارش و تدوین الإرشاد می‌زند:

... چون از تصنیف کتاب دستورالکاتب فی تعیین المراتب که در انشا عدیم النظر است، فراغت یافت، بعضی از طالبان که به سبب تطویل کتابت و تنوع فصول و شعب انواع، قدرت استکتاب آن را نداشتند؛ التماس کردند که اگر از آن جملت، منتخبی استخراج رود که چون یادگیرند به سهولت به مطالب این فن وصول باشد؛ متضمن حسن ثواب باشد؛ به حسب التماس ایشان، این رساله را که موسم است به کتاب الإرشاد فی الإنشاء از آن جا استخراج کرده شد و بر پنج باب مرتب گشت.^{۲۲}

شمس منشی در پایان دستورالکاتب آن‌جا که توصیه‌هایی به متأمّلان می‌کند، نامی از الإرشاد می‌برد:

دهم: آنک وصیت کئی این ضعیف از سر اشفاق تمام با جماعت افاضل و مستعدّانی که این کتاب به شرایف مطالعات ایشان مشرف شود، آنست که به هیچ

حال به ایجاز و اختصار آن مشغول نشوند تا فایده ساختن این کتاب که سهولت فنّ انشاست، بر متعلمان فوت نشود. اگرچه این ضعیف رساله ارشاد را که صد و پنجاه فصل زیادت است و از فصول و انواع این کتاب جهت طالبان استخراج کرده تا بر داندگان این فنّ خوانند و یاد گیرند.^{۲۳}

از این جا معلوم می شود که شمس منشی در بازنگری های بعدی این شروط را به آخر دستورالکاتب افزوده است.

اولین تفاوت الارشاد با دستورالکاتب، حجم آن است که در حدود یک سوم دستورالکاتب است و مقدمات در فنّ و موضوع علم انشا و حکایت های فراوان آن را فاقد است.

تفاوت دیگر، در تقسیم بندی و ترکیب بابها و فصلهاست. از آن جا که این خلاصه به دست خود شمس منشی صورت پذیرفته و نامی دیگر بر آن نهاده شده است، هویتی جداگانه یافته و همانطور که پیشتر اشاره شد، قصد وی سهولت این فنّ برای طالبان بوده است، وی به مطالبی توجه می کند که بیشتر مورد توجه کاتبان و طالبان این فنّ است و می توان گفت الارشاد به نسبت با دستورالکاتب شیوه نامه کاربردی تری است. الارشاد یک مقدمه کوتاه و پنج باب دارد:

باب اول: در القاب و ادعیه پادشاهان و خواتین و اولاد ایشان و امرا و وزرا و ارکان دولت و اعیان مملکت و سایر اصناف از اشراف تا سوقه و محترفه و غیرهم است و هفتاد فصل دارد که شامل القاب و ادعیه کسانی چون سلاطین، خواتین، اولاد ایشان، شروانشاهان، امرا و وزرا و ... می شود.

باب دوم: در مکاتبات مشترک میان سلاطین و خواتین و امرا و وزرا و خدم و ارکان دولت و ملوک و لایات و سادات و مشایخ و قضات و ... و عرضه داشت رعایا به سلاطین و محاضر و شرط نامه و اجوبه آن و تذکره که به امرا و وزرا و جز آن نویسند. باب دوم، بیست فصل دارد.

باب سوم: در احکام یرلیغ ها و در دو ضرب است. ضرب اول: در اعمال دیوانی و دارای بیست و هفت فصل و ضرب دوم: در اعمال دینی و شانزده فصل است.

باب چهارم: در احکام المتغا و هفت فصل دارد.

باب پنجم: در اخوانیات و تهانی و تعازی و استمالت اکابر و عتاب و عهد و غیر آن است و شامل بیست و یک فصل است.

یکی از وجوه اهمیت‌الارشاد آن است که گاهی اوقات بخشهایی در آن وجود دارد که در هیچ یک از نسخه‌های دستورالکاتب یافت نمی‌شود. مانند (خطاب زنان به شوهران)، (در تهدید مجرمان و منع ایشان)، (در استمالت اکابر)، (در استمالت ارباب دنیا)، (در عتاب)، (در اعتذار و عذر مکارم). این بخش‌ها گاهی چنان دچار دگرگونی شده است که به هیچ روی قابل تطبیق و مقابله با دستورالکاتب نیست.

اصل این نسخه، متعلق به کتابخانه اسعد افندی استانبول است که با شماره ۳۳۴۶ در آن جا محفوظ است. عکسی از این نسخه به توسط استاد مینوی تهیه شده است که در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، به شماره ۱۹۴ نگهداری می‌شود. هر صفحه پانزده سطر دارد. باب سوم آن افتاده است و در میانه نیز چند فصل مفقود است. این نسخه چون در قرن هشتم استنساخ شده است، گونه‌های زبانی در آن یافت نمی‌شود و تنها ویژگی‌های رسمی الخطی معمول آن روزگار را دربر دارد. این نسخه به خط نستعلیق به توسط کاتبی که در ترقیمه نسخه خود را سنقر معرفی کرده به تاریخ ۷۷۱ (سنه احدی و سبعین و سبعمائیه) نگاشته شده است.

پی‌نوشت‌ها

۱. آنچه درباره هندوشاه نخبوانی و پسرش محمد، (شمس منشی) وجود دارد، یافته‌های شادروان عباس اقبال آشتیانی است که در مقدمه تجارب‌السلف به چاپ رسیده است. در شماره ۳۳-۳۴ آینه میراث، (تابستان و پاییز ۱۳۸۵، ص ۵۹-۳۸) مقاله‌ای با عنوان «هندوشاه نخبوانی و سروده‌های باز یافته‌اش» به قلم فاضل ارجمند، جویا جهانبخش، به چاپ رسیده است. بنابراین در این نوشتار به زندگانی این پدر و پسر پرداختیم. دو نکته در مقاله پیشگفته درخور یادآوری است. در صفحه ۴۳ تاریخ تولد شمس منشی به اشتباه (احتمالاً اشتباه چاپی) ۶۸۴ ضبط شده است که صحیح آن ۶۹۴ است. دیگر آنکه در مجلد دوم دستورالکاتب، صفحه ۲۱۶ دو بیت عربی به «هندوشاه» نسبت داده شده است که مؤلف محترم آن را از قلم انداخته‌اند.

إِنَّ الْمَرِيضَ وَإِنْ جَلَّتْ زُرِّيَّتُهُ
لَسَوْفَ يُبَدَّلُ بِالْأَعْمَى زُرِّيَاةُ
دُعَاؤُهُ مُسْتَجَابٌ لَا مَرَدَّ لَهُ
لِلْإِضْطِرَارِ وَ يُسْتَعْفَى خَطَايَاهُ

اخیراً مقاله‌ای در شماره ۳۹ آینه میراث (سال پنجم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۸۶) به قلم آقای یزدان فرخی درباره دستورالکاتب به چاپ رسیده است.

۲. شیخ موسی، محمد خیر «فن کتابت و کتاب ورزی و ترسل در زبان عربی»، ترجمه حسین علی‌نقیان، آینه پژوهش، شماره ۹۲، خرداد و تیر ۱۳۸۴، ص ۱۰۲-۱۱۱.

۳. بنگرید به دستور دبیری، محمد بن عبدالخالق میهنی، به تصحیح و اهتمام عدنان صادق ارزی، انتشارات دانشکده ادبیات آنقره، ۱۹۶۲.

۴. تاریخ ادبیات ایران، هرمان اته، ترجمه رضازاده شفق، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۳۷، ص ۲۴۵.

۵. دستورالکاتب فی تعیین المراتب، محمد بن هندوشاه نخجوانی (شمس منشی)، به سعی و اهتمام و تصحیح عبدالکریم علی اوغلی علی‌زاده، فرهنگستان علوم جمهوری شوروی سوسیالیستی آذربایجان، ۱۹۶۴، ج ۱، ص ۲۵.

۶. خواجه رشیدالدین فضل‌الله، هاشم رجب‌زاده، طرح نو، تهران، ۱۳۳۷، ص ۱۳۶.

۷. «تتمه صوان الحکمه»؛ ابوالحسن علی بن زید بیهقی، ضمیمه سال پنجم مجله مهر، ۱۳۱۸، مقدمه استاد نفیسی، ص (ص، ط، ی). همچنین بنگرید به سوانح الأفكار رشیدی، به کوشش محمد تقی دانش‌پزوه، انتشارات کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، ۱۳۵۸، مقدمه، ص ۲۳.

۸. خطیبی، ابوالفضل «اویس جلایر»، دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۰، ص ۴۵۴-۴۵۶.

۹. دستورالکاتب، ج ۱، ص ۱۵-۲۱.

۱۰. همان، ج ۱، ص ۲۴.

۱۱. همان، ج ۳، ص ۳۳۷.

۱۲. همان، ج ۱، ص ۳-۴.

۱۳. همان، ج ۱، ص ۹.

۱۴. همان، ج ۱، ص ۳۶۶.

۱۵. همان، ج ۳، ص ۳۶۶.

۱۶. همان، ج ۳، ص ۳۳۸-۳۳۹.

۱۷. عبدالکریم علی اوغلو علی‌زاده (۱۹۰۶-۱۹۷۹ م.)، ایران شناس آذربایجانی که علاوه بر تصحیح دستورالکاتب، تصحیح جامع‌التواریخ، اقبال‌نامه، شرفنامه، مخزن الاسرار را در کارنامه پژوهشی خود دارد.

بنگرید به دانشنامه ادب فارسی، به سرپرستی حسن انوشه، جلد پنجم، ص ۳۹۴ (ستون دوم)، علی‌زاده.

۱۸. دستورالکاتب، ج ۳، ص LXX.

۱۹. خواجه رشیدالدین فضل‌الله، ص ۲۲۷.

۲۰. دستورالکاتب، ج ۳، ص ۳۶۸.

۲۱. سخن، دوره پانزدهم، شماره ۵، ۱۳۴۴، ۵۴۸-۵۵۶.

۲۲. نسخه خطی الإرشاد فی الإنشاء رویه یکم.

۲۳. دستورالکاتب، ج ۳، ص ۳۸۹.

